

**پنج شنبه 5 آذر 8 ذی الحجه 26 نوامبر**

نخستین حج حضرت ابراهیم (ع) و حضرت اسماعیل (ع) ...

**نخستین حج حضرت ابراهیم (ع) و حضرت اسماعیل (ع)**

هنگامی که حضرت اسماعیل(ع) به سنین میان سالی رسید، خداوند متعال به حضرت ابراهیم (ع) فرمان داد که بار دیگر از شام به مکه رود و بایاری اسماعیل(ع) خانه خدا را تجدید بنا کند.

حضرت ابراهیم(ع) عرض کرد: پروردگارا در چه مکانی آنرا بنا کنیم؟

وحي شد، در همان مکانی که پیش از تو، حضرت آدم(ع) در آن قبه ای بنا نهاده بود.

آن گاه، جبرئیل مکان بیت الله را به ابراهیم(ع) نشان داد و برای وی، حدود و مساحت آن را معین نمود و پا به پای آن را از بهشت آورد و هم چنین سنگی که از برف سفید تر بود، خداوند متعال آن را از بهشت برای حضرت ابراهیم(ع) نازل کرد ولی پس از نصب بر دیوار کعبه و دست زدن مشرکان و کافران بر آن، به رنگ سیاه درآمد و به حجر الاسود معروف گردید.

به هر حال حضرت اسماعیل(ع) از کوه "ذی طوی" سنگ می آورد و حضرت ابراهیم(ع)

دیوار خانه خدا را می چید. وی هنگامی که دیوار را به مقدار نه ذراع از زمین بالا آورد، سنگ بهشتی را بر بدنه آن مکانی که هم اکنون قرار دارد، نصب کرد. او برای کعبه، دو در گذاشت. یکی به سمت شرق و دیگری به سمت غرب.

آن دو هنگامی که کار ساخت کعبه را پایان آوردند، به زیارت آن پرداختند.

جبرئیل امین در روز هشتم ذی حجه، که روز "ترویبه" است بر آنان نازل شد و به ابراهیم گفت: یا ابراهیم! قم فار تو من الماء؛ ای ابراهیم! برخیز و برای خود آب تهیه کن. زیرا در منی و عرفات، آب وجود ندارد. بدین لحاظ روز هشتم ذی حجه روز "ترویبه" نامیده شد.

آن گاه جبرئیل امین حضرت ابراهیم(ع) و فرزندش اسماعیل(ع) را به منی و عرفات راهنمایی کرد و اعمال حج را به آنان آموخت، همان طوری که پیش از آن، به حضرت آدم(ع) آموخته بود.

در قرآن کریم، آیات متعددی به این ماجرا پرداخته و آن را از زوایای گوناگون

تشریح نمود. از جمله، آیه های 125 تا 132 سوره بقره، داستان ساخت کعبه به دست حضرت ابراهیم(ع) و فرزندش اسماعیل(ع) و در خواسته های حضرت ابراهیم(ع) از محضر پروردگار متعال را بیان نمودند.

**استقرار مراسم حج در ذی حجه در سال دهم هجری قمری**

از احادیث و روایات متعدد، به دست می آید که انجام مراسم حج برای نخستین بار، از سوی حضرت آدم(ع) واقع گردید و حج او، پس از پذیرفته شدن توبه اش بود و او، در ماه ذی حجه الحرام، این عمل عبادی را به جای آورد.

در زمان حضرت ابراهیم(ع) و فرزندش حضرت اسماعیل(ع)، که آن دو به امر پروردگار متعال، خانه خدا را تجدید بنا نموده بودند، در ایام ذی حجه مراسم حج را به جای آوردند و این سنت الهی در میان او لاد واحفاد حضرت اسماعیل(ع) تا صد هاسال بر قرار بود، تا اینکه مردم جزیره العرب به تدریج به کفر و شرک روی آورد و خانه خدا را بت کده خویش قرار دادند، ولی مراسم حج را به خاطر افتخار و مزیت خویش نگه داشتند.

آنان به دلایل شخصی و عدم شکیبایی در سه ماه حرام متوالی [ذی قعدة، ذی حجه و محرم] برای قتل، غارت و تجاوز به همدیگر، یا به انگیزه اقلیمی و او ضاع جوئی جهت نگه داشتن ایام حج در یک مقطع خاص از سال شمسی، اقدام به جابجایی ماه های حرام کردند و قرآن مجید با اشاره به کردار آنان، عملشان را مورد انتقاد و سرزنش قرارداد.

در قرآن کریم، در این باره آمده است: **إِنَّمَا التَّسْبِيحُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضَلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُجَلِّوْنَ عَامًا وَيَجْرُمُونَ عَامًا، لِيُوطِئُوا عِدَّةَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ فَيَجْلُؤُوا مَا حَرَّمَ اللَّهُ زَيْنَ لَهُمْ سُوءَ أَعْمَالِهِمْ.**

یعنی همانا فراموشی در کفر [عصر جاهلیت]، بسیار بود که بدان جهت گمراه می شدند آنانی که کفر ورزیده بودند، به طوری که [ ماه حرام را ] در سالی حلال و در سال دیگر حرام می شمردند، تا پای مال کنند شمار آنچه را که خداوند متعال حرام کرده است. پس حلال می شمردند آن [ ماهایی] را که خداوند حرام کرده بود. [ بدین ترتیب ] کردار زشتشان بر آنان آراسته می گردید.

به هر روی، عرب های جزیره العرب برای گریز از حرمت ما های حرام، ترفند های گوناگونی به کار بستند. آنان بنا بر قولی، ماه هایی ذی قعدة و ذی حجه را ماه های حرام می شمردند و سپس ماه محرم را حلال اعلام کرده و ماه صفر را به جای آن حرام می شمردند؛ تا این که هم حرمت سه ماه را نگه داشته و هم به مدت یک ماه در میان آنها، فرصت جنگ و جدال و غارت داشته باشند.

بنا بر قولی دیگر، آنان در هر دو سال یک ماه احرام می شمردند و دو ماه دیگر را حلال می دانستند. مثلاً دو سال پشت سر هم

ماه ذي قعدة و دو سال پشت سر هم ماه ذي حجّه را و دو سال متوالي ماه محرم را ماه حج قرار مي دادند و بقيه ماه ها را بر خود حلال مي کردند.

بدین گونه ماه هاي حرام و ايام حج را دست خوش هواهاي نفساني خود قرار داده و سنت الهي را تعطيل کردند. اما با ظهور اسلام و آزاد سازي مکه معظمه به دست تواناي رسول خدا(ص)، از سنت شکنی عرب هاجلوگيري شد و ماه حج و زيارت خانه خدا به جاي اصلي اش برگشت.

عرب هاي جزیره العرب در سال هشتم هجري، حج را در ذي قعدة انجام دادند، اما در سال نهم و دهم قمری آن را در ماه ذي حجّه به جاي آوردند در حجة الوداع، که رسول خدا(ص) در ذي حجّه سال دهم هجري به زيارت خانه خدا رفته بود، همان ماه را براي هميشه، ماه انجام حج واجب قرار داد و در ضمن خطبه اي فرمود: همانا زمان، به مانند هيأتي که خداوند در آفرينش زمين و آسمان به وجود آورد، به جاي اصلي اش بر مي گردد. به اين صورت که هر سال دوازده ماه دارد و چهار ماه از آنها حرام است که سه ماه پشت سر هم [ذي قعدة، ذي حجّه و محرم] و چهارمين ماه [رجب] که ميان جمادي و شعبان قرار گرفته است. از آن هنگام، مراسم حج، همه ساله در ذي حجّه بر گزار مي گردد.

### روز ترويه و آغاز مراسم حج تمتع

هشتم ذي حجه، روز ترويه است و علت نام گذاري اين روز، بدان جهت است که در مني و عرفات آب وجود ندارد و حاجيانی که قصد وقوف در مني و عرفات را دارند، بايد از مکه معظمه براي خويش آب تهيه کرده و به همراه خود ببرند و چنين حالي را "ترويه" مي نامند.

اين روز، از روزهاي مهم ذي حجّه است و بر اساس روايتي از امام جعفر صادق(ع)، روزه گرفتن در آن، كفاره شصت سال آدمي است.

در اين روز حاجيان خانه خدا، مراسم حج تمتع و حج اکبر را آغاز مي کنند.

اعمال حج عبارتند از:

1- محرم شدن.

يعني پوشيدن لباس ويژه احرام و نيت حج نمودن. بهترين زمان محرم شدن، روز هشتم ذي حجّه است که در مکه معظمه انجام مي گيرد که اگر در مسجد الحرام با شد، افضل خواهد بود.

2- وقوف در عرفات .

يعني حضور در عرفات، از ظهر روز نهم ذي حجّه تا غروب شرعي.

3- وقوف در مشعر.

يعني بيتوته در مشعر الحرام، واقع در مزدلفه، از شب دهم ذي حجّه تا طلوع فجر روز دهم.

4- انجام واجبات مني در روز دهم ذي حجّه.

واجبات مني عبارتند از: رمي جمره عقبه، قرباني کردن حيوان حلال گوشت [گوسفند، گاو و شتر]، حلق و تقصير [تراشيدن و کوتاه کردن موي سر]

5- اعمال واجب مکه.

پس از بازگشت از عرفات و مني، به مکه معظمه، چند عمل را بايد در آن انجام دهد: طواف واجب خانه خدا، خواندن دو رکعت نماز طواف و سعي بين صفا و مروه.

6- طواف نساء.

7- خواندن دو رکعت نماز طواف نساء، در پشت مقام ابراهيم(ع) .

8- بيتوته در مني، در شب هاي يازدهم و دوازدهم ذي حجّه.

9- رمي جمرات سه گانه [جمرة الاولى، جمرة الوسطي و جمرة العقبة] در روزهاي يازدهم و دوازدهم ذي حجّه.

شايدان ذکر است که علاوه بر واجبات حج که اختصاراً بيان گرديد، مستحبات و ادعيه فراواني نيز وارد شده اند که به خاطر رعايت اختصار، از ذکر آنها صرف نظر کرديم. هم چنين مسائلي فرعي فقهي فراواني درباره حج تمتع وجود دارد و برخي از اعمال [اعم از واجب و مستحب] ميان زن و مرد حج گذار تفاوت هايي است، که تمامي آنها در مناسک حج فقهاي عظام به طور تفصيلي بيان شده است .

طالبين را براي فرعيات فقهي و احکام شرعي حج، به رساله هاي عمليه و مناسک حج مراجع تقليد شيعيان و براي ادعيه و مناجات ايام حج، به کتاب

"الاقبال" سيد بن طاووس، "المراقبات" ميرزا جوادملکي تبريزي و ديگر کتب ادعيه ارجاع مي دهيم . اللهم ارزقنا حج بيتک الحرام، في عامي هذا و کلّ

عام ما ابقيتني ...

### خروج امام حسين (ع) از مکه معظمه در سال 60 هجري قمری

پس از آن که امام حسين(ع) با درخواست مکرر استاندار مدینه مبنی بر بيعت با يزيد بن معاويه رو برو گرديد و بنا چار از اين شهر خارج و وارد مکه معظمه شد، به مدت چهار ماه و چند روز در جوارخانه امن الهي اقامت گزيده و در اين مدت با دعوت مسلمانان مبارز برخي از مناطق اسلامي، به ويژه شيعيان کوفه مواجه شد و براي پاسخ گويي به درخواست آنان، پسرعمويش مسلم بن عقيله(ع) را جهت هماهنگي انقلابيون و زمينه سازي نهضت بزرگ، به کوفه ارسال نمود و چون مسلم بن عقيله با

استقبال شایان مردم کوفه مواجه شد، برای آن حضرت نامه ای فرستاد و او را برای رفتن به شهر کوفه دعوت کرد. امام حسین(ع) تصمیم داشت که پس از پایان مراسم حج، به سوی کوفه رهسپار شود، ولی به وی خبر داده شد که یزید بن معاویه، تعدادی از مزدوران خود به فرماندهی عمرو بن سعید بن عاص را به بهانه حضور در مراسم حج، به مکه فرستاد تا در هنگام مراسم حج، امام حسین(ع) را دستگیر کرده و به نزد یزید در شام بفرستد و یا اینکه ناجوانمردانه وی را در هنگام عبادت ترور کرده و به شهادت برساند.

امام حسین(ع) برای خنثی کردن توطئه های دشمن حيله گر، ناچار شد در تصمیم خویش تجدید نظر کند. بدین جهت حج خود را تبدیل به عمره کرد و پس از پایان اعمال عمره، از حالت احرام بیرون آمد و در هشتم ذی حجه، یعنی دو روز پیش از عید سعید قربان، از مکه عازم کوفه گردید.

یزید بن معاویه از یک سو جاسوسان و مزدوران خویش را برای دستگیری و یا کشتن آن حضرت به مکه اعزام کرد و از سوی دیگر با واسطه قرار دادن افراد موّجه و سر شناس، مانع خروج آن حضرت از مکه می گردید.

وی، نامه ای برای عبدالله بن عباس فرستاد و از او درخواست کرد که مانع قیام امام حسین(ع) شده و او را به سکوت و آرامش دعوت کند، در غیر این صورت، بدون در نظر گرفتن ملاحظات خویشاوندی با او برخورد خشن خواهد کرد. عبدالله بن عباس به نزد امام حسین(ع) رفت و او را به ماندن در مکه و خویشتن داری دعوت کرد، ولی آن حضرت، اعتنایی به مصلحت اندیشی های وی نکرد و بر تصمیم خود تأکید نمود.

غیر از عبدالله بن عباس، افرادی دیگر چون محمد بن حنفیه، عبدالله بن عمر و عبدالله بن جعفر نیز آن حضرت را از قیام بر ضد یزید و رفتن به سوی عراق بر حذر نمودند. تنها عبدالله بن زبیر وی را تشویق به رفتن میکرد، تا زمینه را برای خود نمایی وی فراهم شود. چون با وجود ابا عبدالله الحسین(ع) در مکه معظمه، کسی اعتنایی به عبدالله بن زبیر نمی کرد.

ولی امام حسین(ع) بدون توجه به توصیه و تشویق دیگران(ع)، تصمیم خود را گرفته بود و بر اساس آن، به همراه خانواده و یاران و همراهان خویش از مکه خارج شد و به سوی عراق رهسپار گردید.

یحیی بن سعید از جانب برادرش عمرو بن سعید، مأموریت یافت که آن حضرت را از حرکت به سوی کوفه باز دارد و وی را به مکه برگرداند.

ولی تلاش و اصرار وی نیز بی فایده بود امام حسین(ع) بدون اعتنا به تهدیدات او به حرکت خویش ادامه می داد. آن حضرت، از مکه تا توقف در سرزمین کربلا، چند منزل را طی کرد که برخی از آنها بدین نام می باشند: تنعیم، ذات عرق، حاجز، زرد، ثعلبیه، زباله، بطن عقبه، شراف، عذیب هجانان، قصر بنی مقاتل و کربلا.

سفر آن حضرت از مکه معظمه به سر زمین کربلا حدود بیست و پنج روز ادامه یافت و در روز دوم محرم سال 61 قمری، با اصرار حربن یزید، فرمانده لشکر عبدالله بن زیاد وارد سرزمین کربلا شد و در آنجا خیمه های خویش را بر پا نمود.

### واقعه فحّ و شهادت حسین بن علی بن حسن در سال 169 هجری قمری

"فحّ" مکانی در بین راه مکه معظمه و مدینه منوره است که فاصله اش با مکه در حدود یک فرسنگ می باشد. در این مکان رویدادی عظیمی شبیه واقعه کربلا به وقوع پیوست. همان طور که در سیزده ذی قعدة بیان کردیم حسین بن علی بن حسن مثلث بن حسن مثنی بن امام حسن مجتبی(ع) در عصر خلافت موسی بن مهدی، معروف به هادی عباسی در مدینه منوره قیام کرد و این شهر مقدس را از سیطره عباسیان بیرون آورد و به مدت دوازده روز در آن به ساماندهی حکومت و اجرای امور مردم پرداخت و با نزدیک شدن ایام حج، "درباس خزاعی" را جانشین خود در مدینه نمود و به همراه سایر علویان و پیروان خود عازم مکه معظمه گردید و بسیاری از شیعیان و بردگان مکه معظمه به خاطر رهایی از ظلم و جور عباسیان به استقبال وی شتافته و در زمره یارانش قرار گرفتند. خبر قیام وی در مدینه و آزاد سازی این شهر و هجوم علویان به سوی مکه معظمه به اطلاع هادی عباسی [چهارمین خلیفه عباسیان] رسید و با توجه به نزدیک شدن ایام حج و احتمال پیوستن حاجیان و سایر مخالفان بنی عباس به علویان در حین مراسم حج، هادی را شگفت زده و سراسیمه کرد و بدین جهت در اسرع وقت لشکری بزرگ به فرماندهی محمد بن سلیمان عباسی به سوی مکه گسیل داشت. دو سپاه در روز ترویه [هشتم ذی حجه] سال 169 قمری در یک فرسنگی مکه معظمه در مکانی به نام "فحّ" در برابر یکدیگر قرار گرفتند و پس از ردو بدل کردن پیام ها و عدم دست یابی به نتیجه مطلوب، متوسل به حرکت نظامی و رزمی شدو با شدت تمام به نبرد پرداختند. یاران حسن بن علی، تنها هفتصد نفر، ولی سپاهیان عباسی چندین برابر آنان بودند و بدین جهت، پس از مبارزه ای سخت و توان فرسا، انقلا بیون مدینه با شکست و اضمحلال مواجه شدند و بسیاری از آنان از جمله خود حسین بن علی و برخی از سادات حسنی مانند سلیمان بن عبدالله محض و عبدالله بن اسحاق بن ابراهیم بن حسن مثنی، در این نبرد نا برابر کشته شد و تعدادی نیز زخمی و به همراه سایر بازماندگانشان اسیر گردیدند. سپاهیان عباسی سر های شهدا را با اسیران و بازماندگان شهدا به نزدهادی عباسی در بغداد فرستادند و او دستور داد تا تمامی اسیران را گردن زدند. از آن سو، پس از شکست علویان، عمر بن عبدالعزیز بن عبدالله بن عبدالله بن عمر بن خطاب، عامل هادی عباسی پس از فرار از مدینه، دوباره به این شهر برگشت و انتقام سختی از علویان و مبارزان گرفت و خانه های بسیاری از آنان را به آتش کشید و اموالشان را غارت کرد. شایان ذکر است که پیامبر اکرم(ص) و امام جعفر صادق(ع) رویداد مهم فحّ را پیش گویی کرده و پیشاپیش در سرزمین فحّ، برای حسین بن علی و سایر شهیدان این واقعه دل نگرانی نمودند. این واقعه در عصر امامت امام موسی کاظم(ع) به وقوع پیوست و آن حضرت گرچه به صورت آشکار در آن حضور نیافت و رهبری آن را بر عهده نگرفت، ولیکن آن را تأیید و از باطن آنان را رهبری و راهنمایی می نمود.

### **درگذشت استاد حسن میرخانی از استادان هنر خوشنویسی در سال 1369 هجری شمسی**

استاد حسن میرخانی از استادان هنر خوشنویسی و از بنیانگذاران انجمن خوشنویسان ایران در سال 1369 هجری شمسی درگذشت. استاد حسن میرخانی در نوشتن خط نستعلیق از قلم کتاب یا کتیبه مهارت فراوان داشت و در سرودن شعر هم قریحه ای سرشار داشت و به بنده تخلص می کرد. استاد حسن میرخانی معروف به «سیراجُ الکتّاب» بیش از 60 جلد کتاب به خط خویش کتابت می کرد. «کلیات سعدی با مثنوی معنوی، خمسه نظامی و دیوان حافظ» از آثار ارزشمند استاد حسن میرخانی است.

### **درگذشت آیت الله غروی فقیه و روحانی مبارز معاصر در سال 1357 هجری شمسی**

آیت الله غروی فقیه و روحانی مبارز معاصر در سال 1357 هجری شمسی درگذشت. ایشان در شهرهای کاشان و اصفهان ادامه تحصیل زندگی می کرد و بعد از آن هم چند سال در نجف اشرف ساکن شد تا تحصیلات عالی کند. آیت الله غروی در کنار تدریس علوم دینی شاگردان مبارزی علیه رژیم پهلوی ترتیب کرد و همین امر موجب شد که هیچگاه از آزار عمال پهلوی در امان نباشد.

### **تشکیل ارتش ملیونی بسیج مستضعفان در سال 1359 هجری شمسی**

در پی صدور فرمان حضرت امام خمینی(ره) مبنی بر تشکیل ارتش ملیونی بسیج مستضعفان در سال 1359 هجری شمسی تشکیل شد. شکل گیری و رشد بسیج مستضعفان حرکتی مثبت و ضروری در جهت پاسخگویی به نیاز انقلاب اسلامی بشمار می رود. بسیج این حقیقت را به اثبات رساند که می توان اساس و پایه امور سیاسی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی انقلاب را با معیار و میزان بسیج سنجید. این تشکیلات مردمی ملی 8 سال دفاع مقدس قابلیت‌های عظیم مردم مسلمان و مقاوم ایران را اثبات کرد و با خلق حماسه های جاودان توانمندی انقلاب اسلامی را به ظهور رساند.

### **تولد تئودور مومزون مورخ و محقق آلمانی در سال 1817 میلادی**

تئودور مومزون مورخ و محقق آلمانی در سال 1817 میلادی دنیا آمد. مومزون در پایان تحصیل به مطالعه کتیبه ها و آثار بجای مانده از تمدنهای کهن پرداخت. معروفترین اثر مومزون «تاریخ مفصل روم قدیم» نام دارد که از کاملترین تواریخ درباره روم است. این مورخ آلمانی جایزه نوبل ادبی نوبل را در سال 1902 میلادی به خود اختصاص داد و یکسال بعد از آن در 86 سالگی درگذشت. مومزون در صحنه سیاست هم فعالیت چشمگیر داشت و از مخالفان سرسخت بیسمارک صدراعظم وقت آلمان بود.